

مخبر

گفت آن یار کز وگشت سردار بلند / جرمش این بود که اسرار هویدامی کرد

Rowshangar Vol.2 Special Edition June 2009

ویژه نامه

ماهنامه روشننگر . سال دوم . ویژه نامه جون 2009

ویژه نامه "انتخابات"

سومین شب نا آرامی ، تظاهرات ضد دولتی در کوی دانشجویان

برای دومین شب متوالی و سومین مرتبه در يك هفته ی گذشته، پس از پایان مناظره انتخاباتی بین کاندیداهای دهمین دوره ی ریاست جمهوری ، دانشجویان کوی دست به تظاهرات ضد دولتی زدند.

يك شنبه شب پس از پایان مناظره ی انتخاباتی بین مهدی کروبی و میرحسین موسوی که هر دو از طیف اصلاح طلبان هستند، دانشجویان کوی در مخالفت با احمدی نژاد تظاهرات کردند.

این سومین بار است که دانشجویان در طول يك هفته ی گذشته و به دنبال اتمام مناظره ها دست به آشوب های خیابانی بر ضد دولت می زنند.

این بار هم دانشجویان از محوطه ی کوی خارج شدند و با شعارهایی مانند "دروغگو برو گم شو" و "دو تا ده تا" "مرگ بر پوپولیسیم" و "یا" سیب زمینی بسیجی تا کی عوام فریبی؟"

با سیاست های دولت مخالفت کردند. دانشجویان از ساعت 24 نیمه شب تا حدود ساعت 3:30 بامداد دوشنبه 18 خرداد در میداين و خیابان های اطراف کوی دست به تظاهرات و آشوب خیابانی زدند ، با توجه به نزدیک بودن زمان انتخابات ، علیرغم حضور پر شمار نیروهای امنیتی به جز برخوردهای جزئی، در طول تظاهرات درگیری شدیدی بین دانشجویان با نیروهای امنیتی پیش نیامد.

...

در صفحه (8)



شعارهای پرشور بر ضد سیب زمینی و تقلب در تهران

ژیلا بنی یعقوب

هجدهم خرداد ماه - از ساعت پنج تا هفت عصر حامیان سبز پوش میرحسین موسوی از میدان تجریش در شمال تهران تا میدان راه آهن در جنوب شهر زنجیره انسانی تشکیل دادند. قرار بود این زنجیره فقط در یک سوی خیابان تشکیل شود اما عملاً هر دو طرف خیابان در دست سبزپوش ها بود. زنجیره نظم خوبی داشت و حتی در مسیرهایی که قرار نبود هم تداوم یافته بود.

سیب زمینی این روزها نقش مهمی در عرصه مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری ایران بویژه در میان حامیان کاندیداهای اصلاح طلب پیدا کرده است این روزها مردم نه فقط علیه سیب زمینی شعار می دهند ، که به عنوان یک نماد آن را بر سر نیزه ها نیز بالا می برند.

در صفحه (4)

جنگ بالائی ها و جنگ پائینی ها



در تاریخ بسیار رخ داده است که جنگ و دعوی بالائی ها به جنگ و دعوی پائینی ها بر علیه خود آنان تبدیل شده است. چرا که هر شکاف در بالا می تواند به منفذی برای ورود توده ی مردم به صحنه عمل تبدیل گردد. برای طبقات حاکمه، خطر اصلی، ورود مردم به صحنه نبرد است. چرا که در اینصورت بازگرداندن آنها به خانه و محل اولشان به آسانی و بدون خون و گلوله ممکن نمی باشد. مهم نیست که طرفین دعوا تا چه حد ارتجاعی اند. مهم آنست که مجاز شدن حمله به جناحین، اینکار را برای توده مردم نیز مجاز می کند. ولی بهمان اندازه که جناحهای حاکمه در حمله به یکدیگر مرافق رعایت خط قرمز اند، توده ی مردم مشتاق گذشتن از آنند. به این ترتیب است نقادی در بالا به نقادی از پائین تبدیل شود، و سلاح نقد به نقد سلاح. اتهام دیکتاتوری به احمدی نژاد توسط موسوی در تلویزیون، نه تنها به فریاد های مرگ بر دیکتاتور در میان مردم هوادار او! در خیابان ها تبدیل می شود، بلکه و مهمتر از آن، شعار موسوی، یعنی شعار بر علیه دیکتاتوری احمدی نژاد، به شعار بر علیه دیکتاتوری بطور کلی، یعنی و بطور ضمنی دیکتاتوری ولایت فقیه و کل نظام مبدل می شود. آیا ما در استانه چنین واقعه ای، یعنی گسترش جنگ بالائی ها به جنگ پائینی ها هستیم. هیچکس نمیداند. بجای حدس و گمان باید به میان مردم رفت و با تشویق آنان به گذشتن از خط قرمز به این روند دامن زد.

سیامک ستوده

این شبهای آرزو

این شبهای آرزو

مرجان عزیز، من از خوانندگان بی سر و صدای شما هستم چون کامپیوتر و اینترنت ندارم و فقط شبها حدود نیم ساعت با دوست صمیمیم که همسایه هم هستیم از منزلشون وصل میشیم و میشینیم به گردش در اینترنت و بیشتر وبلاگ ها رو هم آفلاین می خونیم. امروز با خوندن پست آخر شما با عنوان " قیطره نشینان تهران " خواستم حرفهای خودم رو بزنم .

این شبها من هم نوار سبز به دستم بستم، منم سایه چشم سبزه، و منم با 14-15 نفر از دوستانم 2 تا لاک سبز خریدیم و ناخنهامون رو سبز میکنیم، این شبها ما از اون نقطه ته شهر میریم به سمت شمال تا در اولین جاییکه محل تجمع و شادی و سر و صداست برسیم و به همراه بقیه برقصیم، این روز ها و شبها من بارها روبان سبز دستم رو باز می کنم که دوباره از پسری پولدار و شمال شهری بخوام که برام روبان جدید ببندد و دوباره بوی ادکلنش تا 2 روز روی مچم باشه .

این شبها تنها شبهاییه که ما به خاطر فقرمون مسخره نمیشیم، این شبها تنها زمانیه که کسی از ما نمپرسه که از کدوم محله ایم، کسی براش مهم نیست کفشمون قیمتش چنده فقط براشون کافیه که ما سبز باشیم، مرجان جان من 32 سالمه و سالهای زیادی رو روی فرش تنها اتاق خونه با رویای داشتن يك همسر از طبقه ای بهتر به صبح رسوندم، يك همسر پزشك يا مهندس از طبقه ای نه شبیه خودم که دست منم بگیره و با هم بریم بالا، شاید بهترین خواستگاری که داشتم جوان خوش بر و رویی بود که کارگر يك واحد تولیدی بود اما حتی همون هم با دیدن خونه ما و وضع پدرم از من میخواست که بعد از ازدواج کمتر با خانواده ام رفت و آمد کنیم و اگر ممکنه پدرم در مجلس نباشه و من به حرمت دستهای پدرم قبول نکردم ، این بهترین خواستگار من بود .

چرا باید این شبها رو از دست بدم ؟ چرا نباید روبان سبز ببندم به دستم و در زنجیره سبز شرکت نکنم، زنجیره ای که پسری از خانواده از ما بهتران پهلوی من ایستاده و اصلا یادش نیست بپرسه من بابام چکاره است، به دستهای سختی کشیده من نگاه نمیکنه و با تواضع به روم میخنده، اما حاضرم قسم بخورم که حتی به خودش اجازه نمیده که از جلوی در خونه ما هم رد بشه. این شبها آخرین شبهای استفاده از فرصت طلایی یکرنگ بودن اما صبح شنبه دیگه هیچ خبری از این اتحاد نیست، از صبح شنبه مهم نیست رئیس جمهور کیه من

به سگهاشون میدن که من شاید هرگز نخورده باشم. کدوم یکی از این کاندیداها میخوان این فاصله طبقاتی رو از بین ببرند؟

مرجان عزیز دغدغه های فکری من با اونها یکی نیست که به نماینده انتخابی اونها رای بدم ، اما نمیخوام فرصت لذت بردن با اونها رو از دست بدم ، من در اونها گم میشم اما به موسوی رای نمیدم، یعنی به هیچکس رای نمیدم، چون هیچکدومشون من رو نمیفهمند، اما اگر و فقط اگر قرار باشه کسی رو انتخاب کنم همون اهمتی خواهد بود و بس هر چند که اصلا تصمیم ندارم رای بدم.

این شبها تنها زمانی است که من رو تا حدودی و فقط کمی به آرزوها و رویاهای چندین ساله ام نزدیک می کنه، اینکه کسی من رو ببینه و به روی من لبخند بزنه بدون اینکه بخواد ازم سو استفاده کنه، بدون اینکه ته نگاهش تحقیر باشه، بدون اینکه پیفی بگه و رد بشه، بدون اینکه توقع داشته باشه چون از چنین خانواده ای هستم با 20 هزار تومن پول باید تا صبح در خدمت خودش و رفیقاش باشم، این شبها قیطره نشینان بی تعصب لبخند میزنند اما از شبیه قصه غصه ها تکرار میشه. من همون پیر دختر چروک خورده جنوب شهرم با پدری علیل و مادر کارگر و اونها همون کسانیکه میخوان کسی رئیس جمهور بشه که به پاسپورتشون بها بده برای سفرهای تفریحیشون، من هم ناخواسته و بدون اختیار به دنیا اومدم اونها هم ناخواسته و بدون اختیار اما در قالب شاهزاده و گدا. من این شبها با تمام قوا داد میزنم میر حسین، چون هر چی بیشتر داد بزنم بیشتر لبخند میزنند به روم، این کار شرافتمندانه تر از خودفروشی است برای دیدن لبخند از ما بهتران.

من وبلاگ نویس نیستم، اما هر شب روی کاغذ مینویسم، تمام آرزوها و رویاهام رو، اگر پسر بودم شاید وضعم فرق میکرد، میتونستم برم تو مغازه مکانیکی کار کنم و خرج تحصیلم رو در بیارم اما الان نمیتونم، و نتونستم. حالا این موج سبز پوش داد میکشه که اتحاد ، این اتحاد من با شما که همیشه به چشم يك موجود پست نگاه کردین فقط به نفع شما تمام خواهد شد، اگر رئیس جمهور شما انتخاب شد که خوش به حال شما و باز هم ما جزو فراموش شدگان هستیم، اما من ترجیح میدم اگر قراره تحریم باشه برای همه باشه برای شمایی که يك عمر مردم هم ردیف من رو تحریم کردین.

من این شبها شاید خائن باشم که با اینکه میدونم نمیخوام رای بدم ولی میرم تو این جمع، اما این کاریه که چندین نفر از ما میکنند ، ما هم دوست داریم گاهگاهی حس کنیم کسانی که يك عمر ما رو ندیدند، حالا میبینند. ما فقط این شبها دیده می شویم، از شنبه دوباره باید با بدبختی های ناخواسته و خدادادیمان بسازیم .

خیلی دوست دارم از این جماعت که فریاد میزنند اگر کارگری یا کارمند یا سرمایه دار الان زمان اتحاده بپرسم ، از این اتحاد چی به

من میرسه؟ کدوم آدمی تونست تو 4 سال نه 8 سال حتی درد ما رو دوا کنه؟ خیلی دوست دارم بدونم کدوم يك از پسرهایی که در شمال شهر فریاد میزنه ایرانی متحد شو، به عنوان يك ایرانی حاضره بیاد با من ازدواج کنه؟ اینها همون کسانی هستند که اگر من اعتراض کنم میگن کیوتر با کیوتر باز با باز، آیا با این روش هرگز تغییری در طبقه من ایجاد میشه؟ البته آره میشه اما با دزدی، دروغ ، قاچاق، خود فروشی، اینها تنها راههایی هست که هر رئیس دولتی پیش پای ما گذاشته .

این شبها تنها شبهایی هستند که کسانیکه همیشه از بالا به ما نگاه کردند حالا از روبرو نگاه می کنند و چشم در چشم، از نظر من اینهم ادامه همان سو استفاده های قبلی طبقه مرفه از فقیره، این روز ها باز هم خود ما به درد نمیخوریم، رای ما به درد می خوره که درهای دنیا به روی اینها باز بشه، دنیایی که مال من نیست و من به هیچ جاش تعلق ندارم.

مرجان عزیز ، پسر هم محله ای ما چند وقت پیش به جرم حمل مواد مخدر اعدام شد. اما تا حدی به آرزوهاش رسیده بود، خودش معتاد نبود اما عهد کرده بود که تا میتونه برای جون پولدار مواد تهیه کنه، همیشه می گفت تنها راه رسیدن به اونها اینه که بز نشون زمین تا خودت هم قد اونها بشی. کدوم رئیس جمهوری اینها رو ببینه و میشنوه؟ کدومشون میاد دست این 2 تا جوون رو بگیره و بذاره پهلوی هم تا هم قد بشن؟ تا اون یکی معتاد نشه و این یکی اعدام؟ حاصل گله های دل من از خدا چندین و چند دفتره، نمیخوام همه اینها رو بنویسم اما از این چند روز باقیمانده استفاده میکنم و هم پای موج سبز فریاد میزنم و میرقصم و لمس میشم و لمس می کنم با شعار من رای نمیدهم.

از بلاگ قلب کویر (kavir_semnan.com)

چه زیبا نوشته. "به حرمت دست های پدرم". این جمله را چند بار تکرار کردم، و هر بار بیشتر از قبل در معنای آن فرو رفتم و از آن لذت بردم. هر بار که خواستم از آن بگذرم و به خواندن ادامه دهم، نتوانستم. نیروی جاذبه ای عجیب دوباره مرا به سوی آن می کشید. دوباره به آن خیره می شدم و در معنای محترم و شریف آن فرو می رفتم، و از اینهمه نجابت، احترام به انسان، و شکوه ساده یک دختر جنوب شهری که ارزش زندگی را می داند، و به دستهای سازنده آن، دست های معصوم و پر قدرت پدرش این چنین ارج می گذارد، احساس غرور کردم. دستهای شریف و بی ادعایی که حق دارد کوچکترین ادعایش تصاحب تمام جهان باشد، جهانی که خود ساخته است و ناعادلانه از او و دخترانش غصب شده است، جهانی که دوباره باید غصب شود، توسط دخترانش، پسرانش، و چه کسی می داند شاید هم توسط خودش. سیامک ستوده



ماهنامه روشنگر

rowshangar1@yahoo.com

Tel: (905) 237 66 61

سر دبیر: سیامک ستوده

ویراستاران: علیرضا دارابی و علی مشرف

گرافیک و صفحه آرایی: فرامرز شیراوند

عکاس: امیرایوب ابراهیمی قاجار

تیراژ: کانادا 5000 نسخه

تورنتو، مونترآل، اتاوا

روشنگر در اصلاح و کوتاه کردن مقالات با حفظ

مفهوم آزاد است. از پس فرستادن مطالب معذوریم.

مطالب خود را به فارسی بفرستید.

مقالات مندرج در نشریه روشنگر ، بیانگر

نظرات نویسندگان آنها میباشد و لزوما نظر

نشریه روشنگر نیست. مسئولیت مطالب به

عهده نویسندگان آنها میباشد.

روشنگر هیچگونه مسئولیتی در قبال آگهی

ها بعهده نمیگیرد.

در این شماره می خوانید

صفحه	عنوان مطلب
2	این شبهای آرزو
3	نامه رفسنجانی به خامنه ای
4	گزارش نیویورک تایمز از انتخابات
4	شعارهای پر شور بر ضد سبب زمینی
5	مناظره های تلویزیونی
7	خبرها
7	شب روی ایران
8	Night over Iran
9	فراخوانان به تظاهرات

آنکس که طویله ها جواش بکنند

کمتر ز خر مرده حسابش بکنند

این امت در مانده پرورده به جهل

ترسم که دوباره انتخابش بکنند

www.asgharagha.com

نامه هاشمی رفسنجانی به خامنه‌ای



بسم‌ال.....

مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای زیده عزه متأسفانه اظهارات عاری از حقیقت و غیرمسئولانه آقای احمدی نژاد در جریان مناظره با مهندس موسوی و مقدمه چینی های قبل و حوادث بعد از آن، خاطرات تلخ اظهارات و اقدامات منافقان و گروهک های ضد انقلاب در سال های اول بعد از پیروزی انقلاب و نیز تهمت زدن ها در انتخابات ۸۴ و انتخابات مجلس ششم و لجن پراکنی های باند پالیزدار که در دادگاه محکوم شده را به نمایش گذاشت و از آن جا که بخشی از این اظهارات قبلا در رسانه های دولتی و آتش تهیه آن در سخنرانی مشهد مقدس مطرح شده، ادعای این که مطالب او تحت تاثیر فضای مناظره گفته شده و فاقد برنامه ریزی قبلی است، پذیرفتنی نیست و گویا برای تحت الشعاع قرار دادن گزارش های مستند و مکرر دیوان محاسبات درخصوص مقفودالائثر بودن یک میلیارد دلار و ارتکاب چند هزار تخلف در اجرای بودجه ها می باشد و شاید هم رقیب اصلی خود را افتخارات ربع قرن انقلاب اسلامی می داند.

ده ها میلیون نفر در داخل و خارج ناظر دروغ پردازی ها و خلاف‌گویی هایی بودند که بر خلاف شرع و قانون و اخلاق و انصاف، افتخارات نظام اسلامی مان را نشانه گرفته بود.

زیر سوال بردن تصمیمات بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و تلاش های امام راحل و مردم مسلمان و متعهد و روحانیت عظیم‌القدر که در نیم قرن گذشته با مجاهدت های خویش توانستند بنای باشکوه نظام اسلامی را ایجاد و مستقر و بالنده کنند، از این بدتر نمی‌شد. دوران مشعشعی که خود شما پشت سر امام (ره) در قامت مجاهد پیشتاز، رییس‌جمهور و نهایتاً رهبری نظام نقش و مسوولیت های ممتازی به عهده داشته اید. به آقای احمدی‌نژاد گفتم که در اظهارات او خلاف‌گویی‌های فراوانی وجود داشته... و پیشنهاد کردم با صراحت، اتهام‌های نادرست را پس بگیرد که نیازی به اقدامات قانونی افراد و خانواده‌هایی که ناجوانمردانه و مظلومانه هدف تیرهای ناسزاگویی قرار گرفته‌اند، نباشد.

نقطه قابل توجه در این تهمت ها این است که غیر مستقیم، مقام ولایت در زمان رهبری امام راحل و جناب عالی که هادی دولت ها بوده اید و با اظهارات صریح، مدیریت ها را مورد تأیید و تحسین قرار داده اید، نشانه گرفته است.

بعد از جریان شوم ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۹ با

ارشاد امام و بنیان گذار جمهوری اسلامی، شهید مظلوم دکتر بهشتی و جناب عالی و این جانب که در شعارهای مردمی به عنوان «سه یاور خمینی» شناخته شده بودیم، با همراهی نیروهای انقلابی و به خصوص نمایندگان متعهد مجلس اول و حزب جمهوری اسلامی توانستیم در جهت زدودن غبارهای ابهامات و سمپاشی ها اقدامات موثری انجام دهیم و امام راحل درآشنا با تشکیل گروه حقیقت یاب و داور، بخشی از حقایق را آشکار کردند. نتایج آن، آگاهی بیشتر مردم و رسوایی فتنه گران و در نهایت نجات کشور از خطری بود که دشمنان استکباری و ضدانقلاب طراحی کرده بودند.

البته این جانب قصد ندارم که دولت موجود را مثل دولت بنی صدر معرفی کنم و یا سرنوشتی شبیه آن دولت را برای این دولت بخواهم، بلکه مقصود این است که باید مانع گرفتار شدن کشور در سرنوشت آن روزگار شد.

این جانب برای پرهیز از آلوده شدن فضای سیاسی کشور در آستانه ی انتخابات به تشنجات بیشتر، از عکس العمل فوری که مورد انتظار ملت است، خودداری کردم.

در مراسم بزرگداشت سالگرد امام (ره) به آقای احمدی نژاد گفتم که در اظهارات او خلاف گویی های فراوانی وجود داشته و ادعای کذب تماس تلفنی من با یکی از سران عرب و ادعای کارگردانی مبارزات انتخاباتی رقیبا و اتهامات ناروا به جمعی از بزرگان نظام، از جمله جناب آقای ناطق نوری و فرزندان من و بدتر از همه زیر سوال بردن اقدامات امام راحل را یادآوری و پیشنهاد کردم با صراحت، اتهام های نادرست را پس بگیرد که نیازی به اقدامات قانونی افراد و خانواده هایی که ناجوانمردانه و مظلومانه هدف تیرهای ناسزاگویی قرار گرفته اند، نباشد.

از صداوسیما هم خواسته شد که فرصتی در اختیار طرف های ذیحق بر اساس مقررات سازمان قرار دهد که از خود دفاع نمایند. گرچه در گذشته به بخشی از این اتهامات پاسخ داده شده و رییس قوه قضاییه وقت جناب آقای یزدی در پایان کار ریاست جمهوری اینجانب، در عمل به اصل ۱۴۲ قانون اساسی رسماً اعلام پاک‌ی و منزه بودن خانواده رییس جمهور و حتی کم شدن دارایی ها در دوران مسوولیت را نمودند، ولی تکرار اتهام تکرار جواب را می‌طلبد.

مع الاسف، این دو پیشنهاد خیرخواهانه عملاً پذیرفته نشده و رهبر معظم هم صلاح را در سکوت شان دیدند و بی شک جامعه و به خصوص نسل جوان نیازمند اطلاع از حقیقت است. حقیقتی که با اعتبار نظام و همدلی ملت ارتباط جدی دارد و اگر محدود به حق چند نفر بود؛ اقدام به نوشتن چنین نامه ای نمی‌کردم.

معتمد جناب عالی به خوبی می دانید که اینجانب و بسیاری از بزرگان تاثیرگذار انقلاب و حتی خود جناب عالی از دوران مبارزه و سال های اول انقلاب و در تعدادی از مقاطع مورد تهاجم افراد لایابالی و ضد انقلاب بوده ایم و همیشه صبورانه تهمت ها و اهانت ها را پشت سر گذاشته ایم و در دور جدید تهمت ها و هجمه ها هم از حدود پنج سال پیش تاکنون دندان روی جگر دارم و به

خاطر خداوند و مصالح انقلاب و کشور اندوه خویش را مکتوم می دارم و از این جهت هم مورد گلایه بسیاری از دلسوزان اسلام و انقلاب و بستگانم قرار می‌گیرم و مهم این است که این بار این تهمت ها توسط رییس جمهور و در رسانه ملی مطرح شده است. البته در موقع مناسب انحرافات و حق کشی های ناگفته انتخابات و اعمال دولت نهم در اختیار مردم و تاریخ قرار خواهد گرفت، تاریخ گواه است که اکثریت مردم متعهد و انقلابی مان کمتر تحت تاثیر خلاف گویی ها قرار می‌گیرند و دلیل آن آراء افتخارآمیز مردم به اینجانب در آخرین انتخابات مجلس خبرگان رهبری است و نیز خوب می دانید که در جریان انتخابات جاری، تاکنون به خاطر مسوولیت های رسمی ام در رسانه ها مطلبی به نفع یا ضرر افراد و جریان های درگیر در انتخابات نگفته ام و در موارد ضروری به کلیاتی مبتنی بر حضور حداکثری مردم در پای صندوق ها و سلامت انتخابات اکتفا کرده ام و رسماً گفته ام برنامه شرکت در انتخابات ندارم.

چهار نامزد موجود برای آمدن به صحنه با اطلاع از نظر و سیاست اینجانب از من نظر خواسته اند و بعد از نامزدی هم از اینجانب درخواست حمایت نکرده اند و اگر هم در جلساتی به هم رسیده باشیم، چیزی جز همان کلیات فوق الذکر را از من شنیده اند و اگر حزب یا گروهی در مورد جهت گیری در انتخابات نظر خواسته اند، گفته ام بر اساس آیین نامه خود عمل کنند و حقیقتاً آن ها با تصمیم خودشان و همکارانشان در صحنه اند و عمل می‌کنند و انصافاً تهمت دست نشانده بودن آنان ستم و بی حرمتی غیرقابل توجیه است.

به جاست که به این حقیقت هم توجه شود که احتمالاً عوامل دولت از نظر این جانب مطلعند که من ادامه ی وضع موجود را به صلاح نظام و کشور نمی‌دانم و خود جناب عالی هم از این نظر من مطلعید و دلایل آن را هم می دانید. ولی این نظر را رسانه ای نکرده ام و خود عوامل دولت در این مورد بزرگ نمایی کرده اند که هدف بزرگ نمایی در آن مناظره روشن شد.

اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده‌های زشت و گناه‌آلودی مثل تهمت، دروغ‌ها و خلاف‌گویی‌های مطرح شده در آن مناظره برخورد کند... و اگر فردی در موقعیت ریاست جمهوری بدون مراعات شأن و منصب مقدس خود را مجاز به ارتکاب چنین گناهان کبیره و اخلاق‌شکن علی‌رغم سوگند به مراعات شرع و قانون بداند، چگونه می‌توانیم خود را از پیروان نظام مقدس اسلامی بدانیم؟

با این همه بر فرض این که این جانب صبورانه به مشی گذشته ادامه دهم، بی شک بخشی از مردم و احزاب و جریان ها این وضع را بیش از این بر نمی‌تابند و آتش فشان هایی که از درون سینه های سوزان تغذیه می شوند، در جامعه شکل خواهد گرفت که نمونه های آن را در اجتماعات انتخاباتی در میدان ها، خیابان ها و دانشگاه ها مشاهده می‌کنیم.

اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده های زشت و گناه آلودی مثل تهمت، دروغ ها و خلاف گویی های مطرح شده در آن مناظره برخورد

کند و اگر مسوولان اجرای قانون نخواهند و یا نتوانند به تخلف های صریح خلاف قانون در اعلان افراد به عنوان فاسد که فقط بعد از اثبات تخلف در دادگاه قابل اعلان است، رسیدگی کنند و اگر فردی در موقعیت ریاست جمهوری بدون مراعات شأن و منصب مقدس خود را مجاز به ارتکاب چنین گناهان کبیره و اخلاق شکن علی رغم سوگند به مراعات شرع و قانون بداند، چگونه می‌توانیم خود را از پیروان نظام مقدس اسلامی بدانیم؟

با این همه بر فرض این که این جانب صبورانه به مشی گذشته ادامه دهم، بی شک بخشی از مردم و احزاب و جریان ها این وضع را بیش از این بر نمی‌تابند و آتش فشان هایی که از درون سینه های سوزان تغذیه می شوند، در جامعه شکل خواهد گرفت که نمونه های آن را در اجتماعات انتخاباتی در میدان ها، خیابان ها و دانشگاه ها مشاهده می‌کنیم. اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده های زشت و گناه آلودی مثل تهمت، دروغ ها و خلاف گویی های مطرح شده در آن مناظره برخورد کند و اگر مسوولان اجرای قانون نخواهند و یا نتوانند به تخلف های صریح خلاف قانون در اعلان افراد به عنوان فاسد که فقط بعد از اثبات تخلف در دادگاه قابل اعلان است، رسیدگی کنند و اگر فردی در موقعیت ریاست جمهوری بدون مراعات شأن و منصب مقدس خود را مجاز به ارتکاب چنین گناهان کبیره و اخلاق شکن علی رغم سوگند به مراعات شرع و قانون بداند، چگونه می‌توانیم خود را از پیروان نظام مقدس اسلامی بدانیم؟

رهبری معظم انقلاب؛

اکنون که امام راحل (ر.) آن پیر فرزانه و حلال مشکلات و ملجاء همه و یار صبور و دیرینه ی هر دوی ما آیت الله شهید مظلوم دکتر بهشتی و بسیاری از همسران قدیم که یا به فیض عظمای شهادت رسیدند و یا به دیار باقی شتافتند، در بین ما حضور ندارند، شما مانده اید و من و معدودی از یاران و همفکران قدیم، از جناب عالی با توجه به مقام و مسوولیت و شخصیت تان انتظار است برای حل این مشکل و برای رفع فتنه های خطرناک و خاموش کردن آتشی که هم اکنون دودش در فضا قابل مشاهده است، هرگونه که صلاح می دانید اقدام موثری بنمایید و مانع شعله ورتز شدن این آتش در جریان انتخابات و پس از آن شوید.

لذا در فرصت باقی مانده ضروری به نظر می‌رسد خواسته ی حق حضرت عالی و مردم درخصوص انجام انتخاباتی سالم و پرابهت و حداکثری تحقق یابد. کاری که می‌تواند عامل نجات کشور از خطر و باعث تحکیم وحدت ملی و اعتماد عمومی باشد و فتنه گران نتوانند با حدس و گمان نص پیامتان در مشهد و در مرقد امام راحل را با هوس خود تحریف کنند و با نادیده گرفتن قانون، بنزین بر آتش افروخته بریزند.

سرچشمه شاید گرفتن به بیل

چو پر شد نشاید گرفتن به پیل

دوست، همراه، و هم سنگر دیروز، امروز و

فردایتان

اکبر هاشمی رفسنجانی

گزارش نیویورک تایمز از هیجان انتخاباتی در ایران

انتخابات ریاست جمهوری ایران توجه بسیاری از رسانه های جهان به خصوص مطبوعات غربی را به خود جلب کرده است.

نیویورک تایمز می نویسد جو انتخاباتی تا حدودی به خاطر اوجگیری مبارزات موسوی داغ شده است.

نیویورک تایمز که در ایران یک گزارشگر دائمی دارد روز دوشنبه هشتم ژوئن گزارش مفصلی تحت عنوان "الفاظ تند در ایران با نزدیک شدن انتخابات" می نویسد که مبارزات انتخاباتی جاری که اکنون در هفته پایانی است، به سحطی از

هیجان و خصومت ورزی رسیده است که تقریباً در تاریخ این کشور ناشنیده است.

در این گزارش آمده است: "نامزدهای اصلی یکدیگر را به فساد، رشوه خواری و شکنجه متهم می کنند. همسر رقیب اصلی محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری، او را به پیگرد قضایی تهدید کرده است. و هر شب، بخش هایی از پایتخت با حضور هزاران مرد جوان که تا سبیده دم در خیابان ها می رقصند یا جدال می کنند، به عسرتکده ای پر سر و صدا بدل می شود."

"به نظر می رسد این وضع تا حدودی به خاطر اوج گرفتن جنب و جوش در مبارزات انتخاباتی میرحسین موسوی است... تجمعات آقای موسوی در روزهای اخیر باعث جلب ده ها هزار نفر شده است و یک نظرسنجی غیررسمی تازه حاکیست که حمایت از او به طور چشمگیری افزایش یافته است، به طوری که 54 درصد پاسخ دهندگان می گویند به او رای خواهند داد در حالی که 39 درصد به احمدی نژاد رای می دهند."

اما بنابه این گزارش بسیاری از ایرانی ها می گویند که لحن گوشخراش مبارزات عمدتاً به خاطر حملات لفظی غیرمنتظره تند آقای احمدی نژاد است که رقیبا و هواداران آنها را خشمگین کرده و با ضربات متقابل و گاه گزنده ای روبرو شده است.

صادق زیباکلام تحلیلگر سیاسی در دانشگاه تهران به این روزنامه گفت: "این مبارزات انتخاباتی نقطه عطفی در تاریخ ایران است. ما قبلاً هم مناظره داشته ایم، اما نه چیزی شبیه این. احمدی نژاد همه را به فساد متهم می کند - او در واقع همان چیزی را می گوید که مخالفان انقلاب از ابتدا می گفتند." نیویورک تایمز می نویسد که انرژی موجود

در مبارزات انتخاباتی ظاهراً به زندگی روزمره مردم راه یافته و بسیاری از مردم عادی در طرح انتقاداتی که معمولاً جرات بیان آنها را ندارند جسور شده اند.

در این گزارش آمده است: "شنبه بعد از ظهر جمعی از هواداران موسوی با گروهی از روزنامه نگاران و سیاستمداران سابق که با یک گفتگوی مشترک توافق کرده بودند، رو در رو شدند."

"یک زن به محمد عطریانفر که در زمان نخست وزیری میرحسین موسوی در دولت او کار می کرد گفت:

پنج هزار آدم بی گناه زمانی که شما در دهه 60 در دولت بودید اعدام شدند. چرا؟"

به نوشته نیویورک تایمز آقای عطریانفر که از این سوال شگفت زده به نظر می رسید گفت: "دوستان، در آغاز انقلاب اسلامی ما

همه مثل احمدی نژاد بودیم، اما ما مسیر و راهمان را عوض کردیم" که این سخن با کف زدن حضار روبرو شد.

بنابه این گزارش روز شنبه در تجمعی برای آقای موسوی در ورزشگاهی خارج از تهران، هزاران زن جوان یکصدا و با صدایی کر کننده شعارهایی خشم آلود سر می دادند که اغلب صدای یک گروه مرد نخراشیده جوان در میدان را غرق می کرد. گروهی در میان جمعیت شعار می داد: "احمدی نژاد حیا کن، میرحسین را رها کن!" و "ما کشور پلیسی نمی خواهیم."

این روزنامه می نویسد: "هواداران آقای احمدی نژاد نیز که پرچم های ایران را به عنوان نشان انتخاباتی حمل می کنند، تجمعات خود را برگزار کرده اند و برخی از آنها را می توان هنگام رانندگی در طول شب در خیابان های تهران و اصفهان مشاهده کرد."

به نوشته نیویورک تایمز جو کارناوال گونه انتخابات و سر دادن شعارهای تند، تا حدودی منعکس کننده شل شدن تناوبی مقررات هر چهار سال یکبار در فصل انتخابات است.

"با این حال بسیاری از ایرانیان می گویند که شل شدن زبان ها ممکن است نشانه تغییری گسترده تر باشد."

سعید لیلان اقتصاددان که در دولت محمد خاتمی برای مدت کوتاهی وزیر بود گفت: "این به مویی بدل خواهد شد که قابل متوقف کردن نیست. اگر رئیس جمهور بتواند این چیزها را درباره فساد بگوید و مجازات نشود، دیگران نیز آنها را خواهند گفت. این بی سابقه است و پیامد خواهد داشت."

شعارهای پرشور بر ضد سبب زمینی و تقلب در تهران ژیلا بنی یعقوب

بودند که تیترا اولش این بود: احمدی نژاد رفت و یا صفحه هایی به شکل صفحه اول روزنامه همشهری با تاریخ ۲۳ خرداد که تیترا اولش این بود:

"موسوی ۳۴ میلیون رای"

هوا رو به تاریکی می رفت و هر لحظه بر ازدحام مردمی که سبزپوش بودند افزوده می شده، شال سبز، کلاه سبز، سبربند سبز و تی شرت سبز.

حالا دیگر حامیان احمدی نژاد هم کم کم از راه می رسیدند و تسلط بی رقیب سبزپوش ها را بر شهر مورد حمله قرار می دادند.

حامیان احمدی نژاد با پرچم های سه رنگ ایران تعدادشان بسیار کم بود اما با اعتماد به نفس زیاد دو -سه نفری وارد تجمع های چند صدنفری سبزپوش ها می شدند و به نفع احمدی نژاد شعار می دادند

و سبزپوش ها با دیدن آنها یک صدا فریاد می زدند: دروغگو! دروغگو!

به قول کامیوز نوزی، وکیل انجمن صنفی روزنامه نگاران که دیروز در خیابان ولی عصر دیدمش: "دروغگو این روزها تبدیل به یک شعار سیاسی شده است."

این روزها مردم تا حامیان احمدی نژاد و یا اتومبیل هایی را می بینند که تصویرهای تبلیغاتی او را دارد، فریاد می زنند:

دروغگو! دروغگو

یکی از شعارهای معروف طرفداران احمدی نژاد نیز این بود

دزدگیر ۸۸/محمود رفت و برگشت

-دکتر! تاج سره

-بارها اتوبوس هایی از میان سبزپوش ها عبور کرد که عکس احمدی نژاد را برخورد داشت و گفته می شد حامل هواداران احمدی نژاد است که از مصلاهی تهران باز می گردند.

جمعیت با دیدن این اتوبوس ها انگشت اشاره شان را به طرفشان نشانه می گرفتند و فریاد می کشیدند:

هو! هو

دکتر علی ساعی، استاد جامعه شناسی را دیدم که در پیاده رو مردم را نظاره می کرد. بگفتم: چه خبر؟

گفت: "مهم ترین خبر همین مردمی اند که می بینن. همین موجی که به راه افتاده"

گفتم: حتی در دوم خرداد ۷۶ هم چنین صحنه هایی را ندیده بودم

گفت: "دوم خرداد؟ تهران حتی در انقلاب ۵۷ هم شاهد چنین صحنه ای نبوده که مردم از جنوب تا شمال تهران در یک زمان به خیابان بریزند و خواسته های خود را فریاد بزنند. اهمیت دیگرش این است که این همه مخالف و موافق در کنار هم شعارهای تند می دهند اما هیچ خشونتیی بوجود نمی آید. ببین! رفتارها چقدر مسالمت آمیز است، پلیس هم که فقط نظاره گر است. این نشان می دهد که

دیروز -هجدهم خرداد ماه- از ساعت پنج تا هفت عصر حامیان سبز پوش میرحسین موسوی از میدان تجریش در شمال تهران تا میدان راه آهن در جنوب شهر زنجیره انسانی تشکیل دادند. قرار بود این زنجیره فقط در یک سوی خیابان تشکیل شود. اما عملاً هر دو طرف خیابان در دست سبزپوش ها بود. زنجیره نظم خوبی داشت و حتی در مسیرهایی که قرار نبود هم تداوم یافته بود. به عنوان مثال حتی تا میدان جمهوری نیز زنجیره انسانی تشکیل شده بود. نوار سبزی نیز در دست حامیان بود که آنها را به هم وصل می کرد. لابد راه حل خوبی برای حل مشکلات شرعی! بود. چون زنان و مردانی که نمی توانستند براساس قوانین شرعی دست در دست هم بگذارند، چگونه می توانستند که زنجیره انسانی تشکیل بدهند!

ساعت هفت به بعد که زنجیره انسانی به تدریج گسیخته شد، حضور مردم به شکل تجمع های کوچک و بزرگ در سراسر خیابان بزرگ ولی عصر شکل گرفت. هر لحظه به تعداد مردم افزوده می شد. مردم از پیاده رویهایی که محل تشکیل زنجیره بود، به وسط خیابان آمده بودند و از این سو و به آن سو می رفتند و شعار می دادند. ترافیک اتومبیل ها هر لحظه سنگین تر می شد، عملاً حرکت ماشین ها قفل شده بود. ترافیک ولی عصر که بزرگترین خیابان تهران محسوب می شود بر ترافیک همه تهران اثر گذاشته بود. پلیس نظاره گر خاموش این رویدادها بود.

در دست تعدادی از مردم چوب ها و نیزه هایی را دیدم که بر سرش سبب زمینی فرو کرده بودند و آن را در میان جمعیت بالا برده بودند. مردمی که از کنار این بیرق های سبب زمینی رد می شدند، با نشان دادن آن به یکدیگر سبب زمینی را هو می کردند و شعار می دادند:

دولت سبب زمینی/نمی خواهیم نمی خواهیم سبب زمینی نداریم /ترب به جاش می کاریم. عده ای نیز پلاکارد هایی در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود " برای دریافت سبب زمینی به ستاد احمدی نژاد مراجعه کنید..."

این شعار هم با توجه به حرفهای موسوی در مناظره ها ساخته شده بود که در باره احمدی نژاد گفته بود او یک پدیده شگفت انگیز است که به راحتی توی چشم میلیونها بیننده نگاه می کند و می گوید دو -دوتا چهار تا نمی شود و ده تا می شود.

این گفته دست مایه بسیاری از پلاکاردها نیز شده بود. مردم پلاکاردهایی داشتند که رویش نوشته بودند:

دو ضرب در دو = ده

پلاکارد دیگری که زیاد در دست مردم دیده می شد: علامت دایره ای شکل ورود ممنوع بود که به جایش نوشته بودند: دروغ ممنوع مردم ابتکارات دیگری هم به خرج داده بودند. مثلاً صفحه هایی را به شکل صفحه اول اطلاعات و کیهان طراحی و چاپ کرده

مناظره های تلویزیونی گاندیدها و افشا شدن فساد درون حاکمیت

شعارهای پر شور ادامه از صفحه ()

پتانسیل خوبی برای دمکراسی در ایران وجود دارد. به نظرم رفتارهای امروز مردم گفتیم: البته حتما شما هم دیدید که حامیان احمدی نژاد با وجود تعداد کم شان چند بار سعی کردند که خشونت ایجاد کنند. حتی آنسوتر جوانی را دیدم که با چوب پرچم ایران که در دست داشت چند نفر از سبزپوش ها را کتک زد."

بله! اما خیلی خود زود اغلب مردم با رفتارهای درست خود بر این تنش ها غلبه می کنند.

حامیان احمدی نژاد بیشتر سوار بر موتور و کمتر پیه در میان سبزپوش ها مانور می دادند. سبزپوش ها فریاد می زدند:

بابا! پرچم ایران حرمت داره

و یا می گفتند:

"موسوی، موسوی، پرچم ایران من رو پس بگیر"

حامیان احمدی نژاد خطاب به سبزپوش ها فریاد می زدند

مناظره افتتاح شد. چیز برگر اختراع شد و یا

پرونده ها رو میزه. موسوی چیز چیز می کنه

این شعارها نیز اشاره به استفاده مکرر موسوی از واژه چیز در مناظره اول دارد البته سبزپوش ها نیز در برابرش شعاری ساخته بودند

دولت سبب زمینی چیزم برآش زیاده شعار دیگری نیز که دیروز بارها تکرار شد:

احمدی نژاد بای بای

بخش مهمی از شعارهای مردم بازتاب دهنده نگرانی شان در باره تقلب بود

اگر تقلب بشه / ایران قیامت می شه

اگر تقلب نشه / موسوی اول می شه

اگر تقلب نشه / احمدی پنجم می شه

وای به حالت احمدی / اگر تقلب کنی

کم کم شعارها تبدیل شد به

موسوی! موسوی! ریاست ات مبارک

احمدی پینوشه / ایران شیلی نمی شه

مدعی عدالت خجالت / خجالت

شعارهای دیگر سبزپوش ها که دیروز بر

آسمان بلند بود:

نصرمن الله بالفتح قریب / مرگ بر این دولت

مردم فریب

دولت گشت ارشاد / نمی خواهیم، نمی

خواهیم

ما طالبان نمی خواهیم / چه تهران، چه کابل

حضرت زهرا رو صدا می زنی / دوم خرداد

به پا می کنیم

هاله نور دروغه / محمود کارش تمومه

دکتر! برو دکتر!

سرودهایی نیز بر وزن ترانه ها و

سرودهای قدیمی ساخته بودند و می خواندند:

لالا لای لای لالا

موسوی انتخاب می شه

خدا می دونه

که حقشه

به لطف خدا و بچه ها

موسوی انتخاب می شه

لالا لای لای لالا

از سایت گویا



خواستار اصلاحات جدی و ریشه ای در روند مدیریت جامعه هستند، گاندیدهای ریاست جمهوری دهم ایران، در مناظره های تلویزیونی زنده، پرونده های قطوری از فساد مالی، اخلاقی، اداری و تخلفات گسترده بر علیه یکدیگر رو می کنند تا فساد فزاینده دولتمردان فعلی ایران را بیش از پیش عریان نمایند.

چند ساعت پیش در جریان مناظره تلویزیونی مهدی کروبی با محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور فعلی ایران، کروبی با اشاره به پرونده تخلفات گسترده مالی و اداری احمدی نژاد در دوران تصدی فرمانداری اردبیل، از اعمال نفوذ دولت در قوه قضائیه برای کتمان و به انحراف کشاندن روند رسیدگی به این تخلفات خبر داد. وی با اشاره به اینکه 4 میلیارد تومان وام بلاعوض توسط دولت نهم به صادق محصولی، وزیر کشور این دولت اعطا شده، محصولی را به عنوان شریک جرم احمدی نژاد در اختلاصهای میلیاردی اخیر قلمداد نمود. محصولی بارها پیش از این به عنوان مردی که صاحب میلیاردها دلار ثروت نامشروع است، مورد حمله مخالفان رسمی و غیر رسمی دولت قرار گرفته بود. با این حال، احمدی نژاد هم متقابلا با ارائه گزارشی از دریافت رشوه های مکرر توسط مهدی کروبی در زمان تصدی مسئولیتهای ریاست مجلس و بنیاد شهید از پرونده ای خبر داد که در آن کروبی از یکی از تجار ایرانی به نام شهرام جزایری عرب مبلغ 500 میلیون تومان به عنوان رشوه دریافت نموده است. کروبی ضمن پذیرفتن دریافت مبالغی از جزایری، اظهار داشت از سوی آیت اله خمینی، رهبر سابق مذهبی ایران، مجوزهایی برای دریافت وجوهای از مردم داشته و هنوز هم اگر کسی به وی پولی بدهد، خواهد گرفت. شهرام جزایری عرب سالهاست به عنوان مفسد اقتصادی در زندان اوین تهران به سر می برد. با این همه محمود احمدی نژاد از وجود زندان اختصاصی کروبی در زمان تصدی ریاست بنیاد شهید وی خبر داد و اعلام کرد در زندانهای بنیاد شهید، مردم محبوس شده و به صورت غیر قانونی

شکنجه می شدند. این اولین بار است در کانالهای رسمی حکومت ایران، زندانهای موازی با قوه قضائیه و ضابطان دادگستری مورد بررسی قرار می گیرد. موضوعی که بارها از سوی کمیته های حقیقت یاب حقوق بشر در ایران مطرح شده و هر بار به شکلی مسکوت باقی مانده است. در ازای این اظهارات، مهدی کروبی با اشاره به مسایلی که نشان از عوام فریبی دولت احمدی نژاد داشت، از وی خواست دروغ نگوید و مردم را به تعبیر وی، کسانی که از پشت کوه آمده اند، فرض نکند. وی گفت تمامی آماري که شما ارائه می نمایید اشتباه است و هر کارشناسی در این مملکت می داند که آمارهای دولت نهم ساختگی و غیر واقعی است.

احمدی نژاد در مقابل، با اشاره به منزل چند صد متری کروبی که در بهترین نقطه تهران واقع شده است، پرده از اختلاصهای دوران ریاست مجلس وی برداشت و اظهار نمود مرحوم خمینی آیا برای برداشتن از وجوه شرعی تحویلی به شما و خرج نمودن در جهت مصارف شخصی نیز مجوز داده بود؟ وی با اظهار اینکه نزدیک به یکصد میلیارد تومان هزینه تبلیغات انتخاباتی مهدی کروبی تاکنون شده است از اختصاص 20 میلیارد تومان هزینه پیام کوتاه تلفنی در ستاد کروبی خبر داد و گفت چرا باید در جمهوری اسلامی هزینه تبلیغات یک روحانی به ظاهر ساده که دارای هیچ مقام و منصب رسمی نیست، این قدر بالا باشد.

در طول زمان مناظره، طرفین یکدیگر را به انحراف از چیزی که سنت آیت اله خمینی قلمداد می کردند، متهم نموده و به صورت ضمنی یکدیگر را به خاطر داشتن ارتباط پنهانی با آمریکا و اسرائیل مجرم دانستند. مهدی کروبی که بارها در طول یک ساعت و نیم مناظره ای که با پخش مستقیم برای نزدیک به 35 میلیون ایرانی قابل رویت بود، عصابی شد و با خطاب قرار دادن ریاست مجبور فعلی ایران به عنوان شخصی که باهوش است و می خواهد از فرصت سوء استفاده کند، رفتارهای سیاسی غیر اخلاقی وی را تقبیح کرد. او با اشاره به عکس احمدی نژاد در زیر پرچم خلیج عربی، وی را به کرنش در مقابل اعراب حاشیه خلیج فارس و به سخره گرفتن نام ایران در مجامع جهانی متهم کرد و اظهار داشت هیچ کسی نمی توانست خدماتی را شما به اسرائیل به دلیل دفاع از هیتلر انجام دادید، کتمان کند. کروبی با اشاره به کمک بلاعوض 700 میلیون دلاری دولت به اشخاصی که صلاحیت ندارند و نیز حیف و میل کردن اموال مردم، ریاست جمهوری

آژانس ایران خبر - ۱۳۸۸/۳/۱۷

قایق های موتوری یاماها،

مخصوص مسلمانان



هموطن! در آستانه ای انتخابات ریاست جمهوری، در هر جای دنیا که هستی، خودت را آماده کن!

www.asgharagha.com

شب روتی تهران

Night over Tehran

گزارشی از تهران - 6 جون 2009

در تهران شب فرا می رسد و مثل هر شب دیگری در هفته گذشته صداها نفر در خیابان ها سرشار از شور و شوق انتخابات جمع می شوند. انتخابات ریاست جمهوری قرار است که ظرف یک هفته صورت بگیرد قرار است که اولین دور رأی گیری جمعه آینده، دوازدهم ژوئن، باشد. از داخل آپارتمان می توانم صدای مردمی را که در محله مان جمع می شوند بشنوم. محله ما فقط یک بلوک از دفتر مرکزی تلویزیون ملی ایران فاصله دارد، محلی که تبدیل به نوعی مرکز تجمع برای تظاهراتی که رو به گسترش است، شده است. در لحظه کنونی این که اینجا بنشینی و سعی کنی برای نوشتن تمرکز حواس پیدا کنی چیزی است سرتاپا سوررنالیتی چرا که در همان حال که سعی می کنم افکارم را متمرکز کنم می توانم صدای شعار دادن ها، سرود خواندن ها، فریاد کشیدن ها و آژیر ها را که در آن پائین جریان دارد بشنوم. این فکر مدام به ذهنم خطور می کند که انرژی جوشان شب پیش عمل امروز را به پیش می راند و چه بسا که آن را به فراسوی این انتخابات، به سوی چیزی بزرگتر براند... اما به سوی چه؟

فکر می کنم که جنبش اجتماعی ای که من خواهان آن هستم در لحظه کنونی کمترین حضوری ندارد و فهمیدن آنچه که آنجا، در کوچه و خیابان، جریان دارد آسان نیست. این تظاهرات ها آبدن شورش است، اما با چه هدفی... این بخش مبهم و مه آلود یا باید بگویم دود آلود تمامی این اوضاع است.

چهار شب گذشته را مشغول زیر پا گذاشتن کوچه و خیابانهای این دور و بر بودیم و از بالا تا پائین طولانی ترین خیابان این شهر یعنی ولی عصر (پهلوی سابق) را که صحنه اصلی این نمایش ها بوده، عمدتاً به خاطر این که محل استقرار دفتر مرکزی تلویزیون می باشد، زیر پا گذاشتیم. مردم از ساعت 7 شب در اتومبیل هایشان با سرعتی لاک پشتی، بوق زنان همراه با عکس نامزدهای موردنظرشان در پنجره، شروع به جولان دادن در خیابان می کنند. جوانان (که 95 درصدشان مردند) شعار می دهند، آواز می خوانند و آگهی های انتخاباتی را به دست رهگذران می دهند. در این بخش از شهر اکثر مردم طرفدار نامزد اصلاح طلب، میر حسین موسوی اند، که در نقطه مقابل احمدی نژاد، رئیس جمهور سنت گرای کنونی قرار دارد. موسوی که مدتی در حاشیه سیاست قرار داشته است نه فردی است با جذب و نه سخنوری بلیغ، اما به دلالتی جوانان او را به

منزله کسی که خواسته هایشان را بر آورده خواهد کرد بر گزیده اند. همین است که مرا، با توجه به تضادهایی که تمامی این جریان به ذهن متبادر می کند، گیج و ویج کرده است. جوانان تظاهرات کننده بیشتر خواهان آزادی های اجتماعی و کاهش سرکوبند، ولی معلوم نیست به چه دلیل فکر می کنند که میر حسین موسوی واقعاً از این خواسته ها پشتیبانی می کند. شاید به این دلیل باشد که رئیس جمهور پیشین، محمد خاتمی که هنوز هم در نظر مردم نماد استواری از اصلاحات است، رسماً از او پشتیبانی می کند. اما احساس من این است که یک بازی ایدئولوژیک پیچیده تر دارد موفق از آب در می آید.

واقعیت این است که هواداران جوان موسوی در حال شورش نیستند. سرود ها، شعارها و مخالف خوانی ها بر علیه حکومت نیست بلکه بر علیه رقبا، بر علیه هواداران

این جماعت طرفدار احمدی نژاد که نماینده سنت گراترین و محافظه کار ترین خط فکری در کشورند در این چند شب اخیر خیلی سرخورده و عصبانی شده اند. تعداد آنها در مقابل طرفداران موسوی بسیار ناچیز است و سوار بر موتور سیکلت هایشان به طرف شمال شهر در حرکتند تا از دژ خود محافظت کنند. دو گروه که تک و توک مأموران پلیس و ماشین های در رفت و آمد از هم جدایشان می کند شعار هائی رد و بدل می کنند که بیشتر به یک مسابقه داغ فوتیال شبیه است تا به یک اعتراض سیاسی. در این طرف هواداران موسوی (مرد وزن قاطی هم) هستند که پیشانی بند و بازوبند سبز پوشیده اند و آواز می خوانند و کف می زنند و در طرف دیگر مردهای سنت گرانی که دندان قروچه می کنند. هواداران موسوی فریاد می زنند: "احمدی نژاد، خدا حافظ!"، یا "طرف ماعروسیه، طرف شما



عزاداریه!". وقتی که جمعیت انبوه تر می شود و انرژی ها بالا می رود مردم به شعارهای سیاسی تر روی می آورند: "مرگ بر استبداد!" - "دیکه بسیجی نمی خوایم" یا "جیش، جیش، بسیجی جیش داره". آن وقت احمدی نژادی ها از کوره در می روند و راه می افتند طرف جماعت طرفدار موسوی و به آنها نزدیک می شوند و این پلیس را وادار به مداخله می کند تا جلو آنچه را که قطعاً به خشونت خواهد انجامید بگیرد.

اما همین است که مجذوب کننده است. در این کشور فاشیستی که پلیس و ارتش دنباله و ادامه قدرت مطقه اند، این روزها هواداران موسوی سپاسگذار آند و برایش هورا می کشند چرا که از گرد همائی شاد آنها در مقابل جماعتی که در آن سوی خیابان جمع شده اند "محافظت" می کند. پلیس ضد شورش، گذشته از شلیک یکی دو مرتبه گاز (نه گاز اشک آور بلکه گازی به مراتب ملایم تر) به داخل جمعیت، اکثراً تماشاچی است. اینجاست که اوضاع گیج کننده می شود. این رژیم فاشیستی راهی برای رهائی

خود از استبداد زدگی اش و رها شدن بخار از دیگ زود پز تحت فشار اجتماعیش یافته است: مردم اجازه یافته اند که در عرصه محدود و کنترل شده ی انتخابات اجتماع کنند مشروط براین که در ساعات دیر وقت شب به خانه هایشان برگردند. و این درست همان چیزی است که روی می دهد. حدود ساعت 4 صبح همه به خانه هایشان بر می گردند و فردا همچنان روزی معمولی است. صبح که شد بقایای اعتراض از خیابان ها رفت و روب می شوند و مردم که آرام شده اند، سرکار و زندگیشان (کار، مدرسه و غیره) می روند، تا دوباره ساعت 7 شب در خیابان ها جمع شده و باز هم جیغ بکشند. این داستان هر شب پشت سرهم ادامه خواهد یافت تا همینکه رئیس جمهور جدید، هر که می خواهد باشد، انتخاب شد به احتمال زیاد متوقف گردد.

من در باره نامزدها، خود انتخابات، نظام انتخاباتی ایران و تأثیرات ایدئولوژیک دراز مدت آن بر مردم خیلی فکر کرده ام؛ اما این گردهمائی های شبانه عنصر مضاعفی را به این آش شله قلمکار افزوده و سر تا پای توجه مرا به خود جلب کرده است. هر چند که این تظاهرات به گمان من با سرسنتیز داشتن با دستگاه حکومت فاشیستی موجود فرسنگ ها فاصله دارد، اما چیزی در آن هست که دلشاد کننده و نیرو بخش است. شاید فقط تمرینی باشد در آزمودن آنچه که معنیش باهم بودن در عرصه عمومی است. یا شاید لحظه ای باشد در توانستن این که به همدیگر نشان دهیم که می توانیم با هم باشیم و همین به خودی خود لحظه مهمی است در تاریخ سیاسی این کشور. این جامعه، که همیشه و هنوز در ساختارهای سنتی و غالباً باستانی ی خانواده و عرصه خصوصی خود میخکوب شده است، در سی سال گذشته توسط فاشیسم اسلامی از هر گونه تصویری در مورد عرصه عمومی بریده شده است. البته سرچشمه های این بریدگی بسیار به عقب تر بر می گردد، و از جمله ساواک شاه به "نا امن" کردن مفهوم عرصه عمومی بسیار یاری رساند، اما کنترلی که این رژیم از طریق ایدئولوژی مذهبی اعمال کرده این احساس ناامنی از ظاهر شدن و عمل کردن در عرصه عمومی را در ذهن مردم بسیار افزایش داده است. نه فقط عرصه عمومی نا امن شده، بلکه انسان باید مواظب آنچه که در خلوت خانه اش می کند هم باشد.

پس شورش در حال حاضر چه سیمائی می تواند داشته باشد؟

این است آنچه که ما در اینجا از خودمان می پرسیم...

به رغم نبود تحلیل سیاسی در این گرد همائی های توده ای، آنچه که روی می دهد بی اندازه مهم است. این بازپس گرفتن فضا و اظهار وجود عمومی در کشوری که زیر سرکوب سیستماتیک قرار داشته و واژه فاشیسم واژه ای به قدر کافی رسا برای توصیف دستگاه حکومتی اش نیست، به طور قطع شکلی از شورش است، هر چند به زحمت بتوان واژه شورش را به آن اطلاق

بیانیه جمعی از «علمای قم» درباره مناظره‌ها

کاندیدای دارای صلاحیت تایید شده اند، فساد مالی، اداری، اخلاقی و سیاسی بالای درون حاکمیت فعلی ایران به حدی رسیده که دیگر قابل کتمان نیست و انتخابات ریاست جمهوری دهم فرصت بی نظیری را مهیا نموده تا طرفین متخاصم با عناوینی مانند مناظره و تبلیغات، گوشه‌هایی وحشتناک از این فساد فزاینده را از کانالهای رسمی حکومت ایران منتشر نمایند.

این گونه برنامه‌ها مانند نفتی که روی آتش ریخته می‌شود، باعث می‌گردد تحرکات مردم در صحنه‌های اعتراضات اجتماعی روز به روز بالا بگیرد، به صورتی که هم اکنون در تهران و شهرهای بزرگ ایران، درگیری بین پلیس و مردمی که فریاد می‌کشند و فساد فوق العاده زیاد حاکمیت نظام سیاسی ایران را زیر سؤال می‌برند، به شکل بسیار عادی در آمده است. پیش بینی می‌شود از امشب، موج جدیدی از اعتراضات مردمی به حکومت فعلی ایران در خیابانها به راه بیفتد و منجر به وارد شدن خسارات زیادتر به مردم گردد.

- آژانس ایران خبر - ۱۳۸۸/۳/۱۷



گروهی از روحانیون بلندپایه قم با صدور بیانیه‌ای از برخی مسائل مطرح شده در مناظره‌های انتخاباتی اظهار تاسف و اعلام نگرانی کردند.

در این بیانیه که به گزارش خبرگزاری مهر، بیش از ۵۰ تن از «علماء و روحانیون برجسته قم» آن را امضا کرده‌اند، نام روحانیونی همچون «آیت‌الله ابراهیم امینی، راستی کاشانی، استادی، طاهری خرم‌آبادی، محفوظی، فیض گیلانی و شیخ جواد فاضل لنکرانی» مشاهده می‌شود. در این بیانیه آمده است: «نام بردن از افرادی که در این مناظره حضور ندارند و امکان دفاع در این نوع جلسات برای ایشان فراهم نیست، بدون اثبات اتهام آنان در محکمه عادلانه و قانونی، خلاف شرع مبین است»

در این بیانیه که امروز سه‌شنبه منتشر شده، آمده است که «مخدوش نمودن خدمات نظام و روحانیت مبارز و مظلوم»، حرمت شرعی و منع قانونی دارد.

امضاکنندگان این بیانیه افزوده‌اند که طرح چنین مسائلی در مناظره‌ها «مایه یأس و ناامیدی همگانی و شادی دشمنان اسلام و نظام اسلامی» می‌شود.

پیش از این نیز آیت‌الله حسینعلی منتظری و آیت‌الله یوسف صانعی از مراجع تقلید، به «اتهامات» مطرح شده در این مناظره‌ها اعتراض کرده بودند.



احمدی نژاد: این آغاز راه است

احمدی نژاد: وقتی در تلویزیون اسم دو، سه نفر را برده، بعضی‌ها به وی اعتراض کرده‌اند که چرا اسم بردی در حالی که عده‌ای می‌خواهند ثروت ملت در اختیار یک عده قلیل باشد و با تقلب و رانت خواری و خودخواهی جیب‌های خود را پرکنند.

احمدی نژاد تاکید کرده آن کسی که "اموال بیت المال را ببرد و با پررویی در برابر این ملت این را حق و میراث خود بداند مورد پذیرش ملت ایران نخواهد بود".

نیروی انتظامی: به رقبا توهین نکنید

نیروی انتظامی بعد از برگزاری یک نشست با نمایندگان ستادهای انتخاباتی نامزدها، با صدور اطلاعیه‌ای از آنها خواسته که از توهین به رقبا و به هم زدن فضای انتخابات خودداری کنند.

نیروی انتظامی می‌گوید که در این جلسه تصمیم گرفته شده است ستادهای نامزدها به هواداران خود در باره اقدامات غیرقانونی تذکر بدهند و مانع از اقداماتی شوند که منجر به "ایجاد راهبندان، سد معبر، توهین به یکدیگر، وهن مقدسان، ایراد شعارهای تحریک آمیز و تخریبی، تعرض به طرفداران، راه اندازی کاروان‌های تبلیغی، پاره کردن و آتش زدن پلاکاردها و پوسترها" می‌شود.

هشدار به مطبوعات

هیات نظارت بر مطبوعات دوباره اطلاعیه داده و از رسانه‌ها خواسته با رعایت قانون، از تخریب نامزدها خودداری کنند.

هیات نظارت بر مطبوعات که مسئول صدور مجوز برای نشریات است و می‌تواند امتیاز نشریات را نیز باطل کند، به مطبوعات هشدار داده که قانون را رعایت کنند.

شناسنامه سربازان

و نقش بسیج در انتخابات

ستاد کل نیروهای مسلح خبر جمع‌آوری شناسنامه سربازان از سوی برخی فرماندهان را تکذیب کرده است.

علی اکبر محتشمی پور عضو ستاد میرحسین موسوی از جمع‌آوری شناسنامه سربازان در برخی اماکن نظامی خبر داده و گفته است: "این کار تخلف بوده و از همه فرماندهان خدمتگذار نظامی نیز تقاضا داریم که به هیچ قیمتی مبادرت به این اقدام نکنند".

تواند تبدیل به جنبشی اجتماعی شود، خفه می‌کند. آن چه مایوس‌کننده است این است که همان هائی که شعار "مرگ بر دیکتاتوری" را سر می‌دهند (که انسان را یاد "مرگ بر شاه 30 سال پیش می‌اندازد) به نظر می‌رسد که به این انتخابات اعتقاد دارند؛ بی‌گمان به این علت که چاره‌ای ندارند جز این که باور داشته باشند که رأی‌شان- صدایشان به حساب می‌آید. جوانان، که در نظام اسلامی پرورش یافته‌اند، هیچ گونه ابزاری برای تحلیل نظام سیاسی در دست ندارند و در باره آیدئولوژی‌ای که خودشان تبدیل به بخشی از آن شده‌اند نیز فکر نمی‌کنند. به رغم آرزویشان برای شرکت در یک نظام سیاسی دمکراتیک‌تر، مسائل سیاسی به نظرشان دلبخواهی می‌نماید. اقتصاد به علت فساد به بن بست رسیده و زیربنا متلاشی شده است. مردم گرسنه‌اند. اما این مسائل تحت الشعاع مبارزه‌ای پوپولیستی بر سر تغییراتی در آزادی‌های اجتماعی قرار گرفته است. هر چند دیگر نامزدها (مهدی کروبی اصلاح طلب و رضائی سرمایه‌دار و محافظه‌کار) چهره‌های سیاسی پر قدرتی هستند و دستور کارهائی دارند که با قدرت مطلق حکومت می‌تواند بالقوه از در ستیز درآید، اما پشتیبانی توده‌ای به صورتی که در خیابان‌ها دیده می‌شود دو شق احمدی نژاد/ موسوی را تقویت می‌کند. از آنجا که هیچ کدام از این دو نفر عضو دستگاه آخوندی نیستند، پوپولیسم آنها برای جوانان که دیدگاهی انتقادی دارند جاذبه دارد هر چند که خود این دو در سنت‌های این رژیم قویاً ریشه داشته باشند.

من میان احساس‌های نیرویافتن، مقاومت و این یادآوری که انرژی و الایش یافته می‌تواند ظاهر شود و به همان سادگی به جانی برگردد که از آن سرچشمه گرفته است در نوسانم. آنچه که من با آن در حال دست و پنجه نرم کردنم این است که در این گردهمایی‌ها چقدر خود افساز زنی و فرمانبرداری نهفته است، و چه امکان بالقوه‌ای در این فضا وجود دارد. جوانان در حین نشان دادن نارضائی اجتماعی در خیابان‌ها از ته دل از نامزد اصلاح طلبی پشتیبانی می‌کنند که همبستگی‌اش با این رژیم نامشروط است و استفاده آشکارش از تصویرهای شیعی در مبارزه انتخاباتی‌اش تردید ناپذیر و مسلم. منجمله اینکه مبارزه انتخاباتی‌اش توانسته است همه کس را به رنگ سبز، رنگ نمادی شیعی، مزین و ملبس کند و این را برساند که موسوی یک "سید"، و مستقیماً از سلاله پیغمبر است. حیران می‌شوم وقتی گروه‌هائی از دختران با صورت هائی خالکوب شده و گروه‌های مبهوت‌کننده مردهای غیرعادی (مفعول؟) را می‌بینم که شال گردن و مچ بند سبز دارند و می‌خوانند، "ای حسین- میر حسین!" و یا "سید مائی تو ای موسوی عزیزم!"

ادامه دارد و بزودی... bani

ترجمه: احمد خزاعی

کرد. جنبه نگران‌کننده و مشکوک تمامی این جریان این است که چگونه کوشش در بازپس گرفتن عرصه عمومی در نهایت تبدیل به شامورتی بازی حکومت می‌شود، یا از سوی آن برای تقویت و برقرار کردن دوباره آیدئولوژی‌اش مورد استفاده قرار می‌گیرد. زیر نظر گرفتن تحولات در هفته آینده و پس از انتخابات برای پی بردن به این که کل این جریان در شمای بزرگتر امور چگونه عمل می‌کند امری اساسی است.

از همه چیز گذشته، این انتخابات (بیش از هر انتخابات دیگری در گذشته) به فرصتی برای مردم تبدیل شده است که از یک صحنه سازی برای عملی کردن آنچه که از آنها گرفته شده است یا هرگز امکان پدید آوردنش را نداشته‌اند، استفاده کنند. اشباح انقلابی‌های گذشته (خواه انقلاب 1285 و خواه انقلاب 1357) هنوز یقیناً با ما و در میان ما هستند و صرف نظر از این که این لحظه تا چه اندازه محدود یا موقت از آب درآید، به هر حال لحظه‌ای برجسته و قابل توجه است. پلکیدن در خیابان‌های تهران در ساعت 3 صبح؟ این تهرانی نیست که من می‌شناسم. به رغم این واقعیت که تنها درصد کوچکی از تظاهرکنندگان زن هستند، با این وجود احساس می‌کنی که گشت زدن شبانه در خیابان‌ها برای زنان بی‌خطر شده است، در حالی که در یک شب معمولی چنین نیست. هر چند بعضی از مردها همچنان به شما خاطر نشان می‌کنند که شما از حقوقی مساوی با آنها برخوردار نیستید، اما در این خیابان‌ها انزوای کمتری وجود دارد، چرا که همه را نیازها و آرزوهائی مشترک "یگانگی" بخشیده است. احساسی (هر چند محدود) وجود دارد که این روزها انسان می‌تواند آزادانه سخن بگوید یا آزادانه حرکت کند و اینکه همه ما بخشی از چیزی بزرگ‌تر هستیم که از مرزهای خانواده یا ملت فراتر می‌رود. این تظاهرات در یک کشور هفتاد میلیونی ممکنست برقی کوچک در پیکاری زودگذر باشد، اما اعماقی که می‌پیمایند و احساس هائی که در آن اعماق بر می‌انگیزند بسیار مهم‌تر از آنند که در ظرف یک هفته چه کسی در انتخابت برنده می‌شود.

در لحظه کنونی، مردم برای یک لحظه تنفس در هوای آزاد در جامعه‌ای سرکوب شده دست و پا می‌زنند و از هر فرصتی برای به چالش کشیدن مرزهای قانونی‌اندیشه و عمل استفاده می‌کنند و به طور قطع می‌دانند که وقتشان تنگ است. حضور نیروهای امنیتی، ارتش و پلیس ضد شورش نشانه‌های دیگری هستند حاکی از این که به رغم تنگ بودن و شکننده بودن زمان شل کردن دهنه، در صورتی که انسان بتواند افسار را پاره کند، می‌تواند اثر معکوس داشته باشد.

از سوی دیگر با گذشت زمان، توده مردم به آهستگی محو می‌شوند و من از خودم باز هم می‌پرسم که چه اتفاقی افتاده است؟ راستی چه اتفاقی دارد می‌افتد؟

بگذریم از این که انتخابات یک شامورتی بازی محض است، اما همچنان صحنه را به خود اختصاص می‌دهد و آن چه را که می‌



VOL . 2
Special Edition
June 2009



جنایتکاران و چپاولگران جمهوری اسلامی

باید محاکمه شوند نه انتخاب!

تظاهرات

جمعه ۲۲ خرداد، ۱۲ ژوئن، ساعت ۹ صبح

مقابل سفارت رژیم اسلامی در اتاوا

245 Metcalfe St. Ottawa, ON K2P 2K2

مزدوران سفارت جمهوری اسلامی در اتاوا میخواهند مضحکه انتخاباتی راه بیندازند، تا نمایش رای گیری برای انتخاب یکی از میان تیرخالص زن ها و عاملین قتل عامهای مخوف و روسای ارگانهای سرکوب رژیم را برگزار کنند. کاندیدهایی که قرار است رئیس جمهور بشوند، حتی بر اساس آنچه که در مناظره های تلویزیونی درباره همدیگر افشا میکنند، باید فوراً دستگیر و روانه زندان بشوند.

این رژیم باید سرنگون شود، این کاندیدها و سایر روسای حکومت اسلامی باید محاکمه بشوند. مضحکه انتخاباتی حکومت را بر سرشان خراب میکنیم.

از همه سازمانها و انسانهای آزادیخواه دعوت میکنیم که با شرکت خود در تظاهرات مقابل سفارت رژیم، صف اعتراض به رژیم جنایت و چپاول و صف آزادیخواهی و برابری طلبی را تقویت کنند.

ساعت حرکت: 3 صبح جمعه در پمپ بنزین دان میلز و شپرد (ضلع شمال غربی)

برای اطلاع بیشتر با شماره تلفن

416-471-7138 تماس بگیرید.

تظاهرات در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در اتاوا

زمان: جمعه ۱۲ جون ۲۰۰۹ ساعت ۹ صبح

مکان: مقابل سفارت جمهوری اسلامی در اتاوا

245 Metcalfe St

کارگران و مردم محروم ایران هیچگونه نفعی در مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی و بقای این رژیم نداشته و نخواهند داشت!

ایرانیان مقیم کانادا،

این را همه میدانیم که رژیم جمهوری اسلامی از سرکوبگرترین، ضدکارگرترین و زن ستیز ترین حکومتهای سرمایه داری در جهان امروز است. "انتخابات" این رژیم توهینی به کل مردم ایران و آزادیخواهان جهان است. در يك جامعه هفتاد میلیونی چهار نفر و آنهم افرادی که خود از آمرین و مجریان جنایات این رژیم بوده اند را به عنوان "انتخاب" در مقابل کارگران و مردم به تنگ آمده ایران قرار داده اند. به "انتخابات" این رژیم نه تنها باید قاطعانه نه گفت بلکه باید هر جا و همه جا به آن اعتراض کرد و در مقابلش ایستاد.

کارگران و مردم ستمکشیده در سرتاسر ایران خوب میدانند که در فردای این نمایش انتخاباتی آنان باز هم بیحقوق تر و محروم تر خواهند شد چرا که ۳۰ سال حکومت جمهوری اسلامی و رئیس جمهورهای مختلف آن را شاهد بودند و بجز افزایش محرومیت، فقر، فساد، تبعیض، ستم و سرکوب و کشتار چیز دیگری ندیده اند.

"کارزار پشتیبانی از مبارزات کارگری در ایران" همگام با کارگران و انسانهای آزاده، احزاب و جریانات چپ و مترقی از عموم دعوت میکند که در این حرکت اعتراضی علیه مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی شرکت نمایند. (وسایل نقلیه جهت رفت و برگشت موجود است. لطفاً با آدرسهای زیر تماس بگیرید).

سرنگون باد رژیم ضد کارگر جمهوری اسلامی

کارزار پشتیبانی از مبارزات کارگری در ایران

آدرسهای تماس با کارزار:

babakyazdi@yahoo.co mehdi1871@yahoo.com
pjahan@yahoo.com irankargaran@yahoo.com
faridcp@yahoo.com

تلفن: 416-997-2945 647-449-4120